

جامعه‌شناسان از ضرورت سپردن مناصب و مدیریت‌ها به جوانان نسل سوم انقلاب می‌گویند

جوان‌سازی ضامن بقای انقلاب

گروه اجتماعی/ ۴۲ سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، نظام جمهوری اسلامی طی این سال‌ها به رغم دشمنی‌ها و فشارهای اقتصادی، بحران‌هایی را گذرانده و در رسیدن به اهدافش و پیشرفت و توسعه کشور، با چالش‌ها و فراز و فرودهای زیادی مواجه بوده است، هرچند در این مسیر نسل‌های مختلفی، بخش‌هایی از مسئولیت‌ها و اجرای برنامه‌های انقلاب در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را بر عهده داشته‌اند و خوشبختانه روند روبه رشد و پیشرفت انقلاب در بسیاری از بخش‌ها نشان داد که نظام جمهوری اسلامی با مدیریت رهبر انقلاب و تکیه بر توان نیروهای متخصص و انقلابی با روحیه جهادی در ثبات و پایداری قرار گرفته و حایل‌عاید از چهار دهه از عمر انقلاب به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران باید با اعتماد و انتقال تجربیات و جابه‌جایی مسئولیت‌ها و مدیریت‌ها به نسل جوان، خلاق و کارآفرین، فصل جدیدی را برای توسعه و پیشرفت کشور رقم زد. در این خصوص کارشناسان و جامعه‌شناسان معتقدند این تعامل بین نسلی در مشارکت و اداره کشور باید بتدریج و همراه با حمایت‌های همه‌جانبه هم از سوی نسل اول انقلاب و هم از سوی مردم صورت گیرد. آنها بر این باورند که جوانان این عصر با توانمندی‌ها و شور و شوق و برخورداری از دانش و تخصص لازم می‌توانند سیمای جدیدی از ایران اسلامی را به نمایش بگذارند.

■ نیاز به آرایش جدید مدیریتی

حسین ایمانی جاجرمی، جامعه‌شناس، با تأکید بر اینکه باید بین انقلاب و ثبات تفکیک قائل شد، به «ایران» می‌گوید: «ما باید مطابق با یک نظم جهانی جلو برویم، چه بخواهیم و چه نخواهیم باید دستاوردها تثبیت شود. براین اساس ما باید به سمت شرایط با ثبات حرکت کنیم و برای آن برنامه‌ریزی داشته باشیم. در شرایط فعلی هنوز چشم‌انداز آینده کشور مشخص نیست و با اهداف دقیق و مشخصی برای آینده داشته باشیم، پشت سر گذاشته‌ایم، به نوعی شاهد کاهش روحیه عمومی در میان مردم هستیم. بنابراین در نگاه بلندمدت باید به سمت شرایطی برویم که پایدار باشد و امکان برنامه‌ریزی را فراهم کند. چون هم اکنون شرایطمان در نوسان است و نرخ رشد اقتصادی به منفی ۶ درصد رسیده است که نشان می‌دهد شرایط خوبی در انتظارمان نیست. او با تأکید بر اینکه باید چشم‌انداز، مأموریت و اهداف دقیق و مشخصی برای آینده داشته باشیم، می‌گوید: در این صورت نسل جدید می‌تواند در قالب چشم‌انداز پایدار خودش را تعریف کند. اما اکنون چنین امکانی وجود ندارد و اگر قرار به جابه‌جایی و تعامل بین نسلی در دهه چهارم انقلاب باشد، باید ابتدا چنین امکانی ایجاد شود.

چرا که ما در شرایط روزمره در حال برنامه‌ریزی هستیم. در واقع حضور نسل جدید نیازمند تحول در شیوه حکمروایی است. ممکن است حتی برنامه‌ریزان و سیاستگذاران به این نتیجه برسند که باید جامعه مدنی و بخش خصوصی تقویت و دولت کوچک و چابک شود. در این صورت عرصه حضور نسل جدید دیگر دولت و حکومت نیست و باید پتانسیل آنها را به سمت بخش خصوصی هدایت کنیم. یا با تمرکززدایی، نسل جدید را در نقاط مختلف پراکنده کنیم. اما پیش زمینه آن توزیع قدرت و پراکندگی قدرت است تا همه در اوضاع سیاسی شریک باشند. الان همه امکانات و منابع قدرت در تهران متمرکز شده است و همه به اجبار باید به تهران بیایند. حتی سیاست‌یون هم، مسیر سیاستگذاری‌شان به تهران می‌افتد که دیگر به شهرشان باز نمی‌گردند. بنابراین باید در شیوه شراکت حوزه‌های مختلف در اداره امور کشور بازنگری شود تا آماده حضور نسل جدید شویم. ما نیازمند یک آرایش جدید هستیم تا زمینه برای ورود نسل جدید آماده شود. برخی کشورها اکنون چشم‌انداز هزارساله دارند و برای آینده بلند مدت برنامه‌ریزی کرده‌اند. ما باید در دوره جدید، با افزایش قدرت‌های محلی، دولت را به یک نهاد مقررات‌گذار و نه بازنگر تبدیل کنیم. یا درباره نهادی مثل شهرداری، الان شهرداری‌ها به جای اینکه از حقوق عمومی دفاع کنند، به یک فروشنده در شهرها تبدیل شده‌اند. این روند باید اصلاح شود. در نهایت جابه‌جایی بین نسلی در بستری درست انجام خواهد شد.

■ ضرورت تغییر ساختار نیروی انسانی در ایران

دکتر تقی آزادارمکی، جامعه‌شناس معتقد است: در ساختار نیروی انسانی در ایران یک نوع بن‌بست اتفاق افتاده است یعنی کسانی که می‌توان گفت نسل اول و دوم انقلاب‌اند و تغییر و دگرگونی ایجاد کرده‌اند با همان شیوه و علایق و رفتارها نظام جمهوری اسلامی را مدیریت می‌کنند که هم خودشان خسته شده‌اند هم جامعه خسته شده است و کارها روند متعارفی را طی نمی‌کند. آزادارمکی در ادامه می‌افزاید: ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که شرایط به طور دائم و کامل در حال تحول است و این تحولات نیازمند نیروهای باسواد، با تخصص، پراکنده، جوان و مسئولیت‌پذیر است البته این به معنای آن نیست که نسل قبلی مسئولیت‌پذیر نیست بلکه منظور این است، نسل قبلی خسته است و باید نسل جوان به میدان بیایند چرا که علاوه بر ویژگی‌های نسل قبلی که باید دانش‌باشند از حوصله و توانایی‌های جدیدی نیز برخوردارند.

این استاد دانشگاه با بیان اینکه سپردن امور به نسل جوان یک ضرورت است، می‌گوید: اینکه واگذاری مسئولیت‌ها و تعامل بین نسل قبلی و جدید چگونه شکل بگیرد اتفاق بسیار مهمی



شده‌اند و پرورش یافته‌اند که با ارتباطات جهانی آشنایی دارند، به بسیاری از مسائل روز دنیا آگاه هستند و بسیاری از مسائل را که در گذشته کمتر می‌توانستند دست پیدا کنند، به‌دست می‌آورند، عموماً سطح تحصیلات بالایی دارند و اگرچه سن بالایی ندارند اما تجربه‌های زیسته مفیدی دارند.

او با بیان اینکه نسل جوان انرژی بیشتری برای پیشبرد کارها دارند، عنوان می‌کند: مسأله اساسی که در مباحث جامعه‌شناسی نیز مطرح است وجود تفاوت نسل‌ها است. گاهی اوقات تفاوت نسلی تبدیل به شکاف نسلی می‌شود و فاصله بین نسلی جدی بن نسل قدیم و جدید ایجاد می‌کند بنابراین مسأله مهم این است آیا این تفاوت‌ها، اختلاف‌ها و نگرش‌های متفاوت می‌تواند مشکل ساز باشد؟ پاسخ در مواردی مثبت و گاهی هم منفی است.

لیببی در ادامه به نظریه «رابرت مرتون» جامعه شناس آمریکایی اشاره می‌کند و می‌افزاید: طبق این نظریه دو تا مسأله مهم باید برای تمام احاد جامعه مورد توجه قرار گیرد یکی بحث ارزش‌ها و دومی روش‌ها یا شیوه‌ها است. آنچه در جامعه ما مهم است ارزش‌ها یا دید ثابت بماند و از دست‌های ندهیم. همه مردم دنیا از ارزش‌های جهانشمول از جمله صداقت، فداکاری، گذشت و... جدا از مذهب، فرهنگ، زبان و دین‌شان برخوردارند

سنی پای کار بیایند اما اگر خواسته باشیم نسل سوم انقلاب را به درستی به‌کار ببریم ما نسل دوم و سوم انقلاب نداریم این یک تناقض است و ما یک نسل انقلاب بیشتر نداریم و آنها نیز کسانی بودند که در زمان جوانی و میانسالی باعث شدند تا تجربه انقلاب اتفاق بیفتد یعنی نمی‌توان گفت دهه ۶۰ نسل دوم انقلاب‌اند چرا که انقلاب را این گروه نکرده‌اند بنابراین هنوز به نظری می‌رسد انقلاب دست نسل‌های اول است و کسانی که در این چارچوب می‌گنجند سرکار آمده‌اند.»

وی عنوان می‌کند: «ممکن است افراد جوان هم دارای پست‌های مدیریت باشند و از طریق نسلی که انقلاب را پایه‌گذاری کرده‌اند در چارچوب آنها کار کنند اما وقتی می‌گوییم لازم است یک دگرگونی و تحولی در جامعه اتفاق بیفتد منظور این است نسل جدید بتوانند تجربه خودشان را به اجرا بگذارند و با رویکرد و به‌عبارتی مدل مدیریتی خودشان را اجرایی و عملی کنند. این چیزی است که جامعه لازم دارد متأسفانه وقتی سعی می‌کنید چارچوب بگذارید و بگویید نسل سوم انقلاب، از همان اول تحول و دگرگونی را از بین بردید چون همان‌طور که گفتیم این تصور کلیشه‌ای است به‌هر حال انقلاب را یک نسل تجربه کرده است نسل‌های بعدی که می‌آیند اساساً چون نباید تغییر رویکردی اتفاق بیفتد یک نوع ایستایی ایجاد می‌شود چرا که نسل اول نسلی بودند که این محصول مولود آنها بود و بنابراین برای آن تمام قدرت و وسعت و انرژی

■ نبود گفتمان روادار مطلوب بین نسل‌های انقلاب

دکتر اصغر مهاجری، استاد دانشگاه و جامعه شناس نیز معتقد است: باید بسترهای رواداری گفتمان انقلابی بر اساس ارتباط بین نسل‌ها را درست تعریف کنیم. در گفتمانی که استدلال‌ها برنده شود، واقعیت مبتنی بر حقیقت استمرار پیدا کند و گفتمان به درستی استمرار یابد آن وقت کنش‌ها به درستی انجام می‌شود و انتقال قدرت از یک کنش سالم و گفتمان روادار برخوردار می‌شود. وی در ادامه اظهار می‌دارد: «زمانی که دست به انقلاب زدیم به این خاطر بود که برای به‌دست آوردن چیزهایی که نداشتیم، مسیری را طی کردیم اما در یک لحظه و در همان گرانیگاه که نمی‌توانستیم همه چیزها را به‌دست بیاوریم باید طی فرآیندی مثل دموکراسی و آزادی و پیشرفت آن نداشته‌ها را به‌دست بیاوریم که در یک لحظه به دست نمی‌آید بلکه فرآیندی است که بتدریج و در روند صحیح خود به دست می‌آیند.

به‌گفته این استاد دانشگاه، به‌دست آوردن چیزهای نداشته نیازمند روند و فرآیند انجام دادن است و این روند انجام دادن بدون گفتمان روادار ممکن نیست. متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب پیرداخت هزینه‌های اولیه بخصوص در مرحله اول که درگیر جنگ ناخواسته شده بودیم نسل‌های اول امکان ادامه حیات این گفتمان را

یعنی اگر صله رحم را جزو ارزش‌ها در روابط بین افراد در نظر بگیریم در طول زمان شیوه و متد ابراز آن فرق کرده است. اینکه بخواهیم ارزش‌های انقلاب اسلامی را به نسل بعدی منتقل کنیم دو نکته مهم باید توجه کنیم اول آنکه ارزش‌های انقلاب باید سر جای خود باقی بمانند مانند تعالی فرهنگی و شایسته سالاری که جزو ارزش‌های ما هستند. به این معنا که نباید در جامعه امکانات در اختیار قشر خاصی قرار بگیرد و طبقه محروم دچار مشکلاتی شوند بنابراین طرفداری از طبقه محروم از بعد اقتصادی بحث مهمی است. دومین مسأله توجه به کرامت انسانی به‌عنوان یکی از ارزش‌های انقلاب است ما باید اینها را حفظ کنیم. امروزه می‌توانیم این ارزش‌ها را در قالب‌های جدید بریزیم و ارائه کنیم. برای مثال به جای آنکه از افراد برای حفظ این ارزش‌ها استفاده کنیم پیام‌مان را از رسانه‌ها به شبکه‌های اجتماعی منتقل می‌کنیم. در حالی که در گذشته پیام‌ها به‌صورت شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد. نسل قبلی انقلاب انتقال ارزش‌های فرهنگی را به شیوه گذشته انجام می‌داد که شاید امروزه این روش‌ها برای انتقال پیام‌های فرهنگی جواب ندهد در حال مهم است که از ابزارها و امکانات مهمتری استفاده کنیم.

این استاد جامعه‌شناسی با بیان اینکه تعامل



■ دکتر محمد مهدی لیبی:

از اوایل انقلاب اسلامی تاکنون درباره واگذاری امور به میدان آوردن نسل جوان و تعامل بین نسلی مباحثی همیشه مطرح بوده و البته طرح چنین مباحثی منطقی است به این معنا که ما نیازمند نیروی جوان، نوآوری و فکری جدیدی در جامعه هستیم.



■ دکتر اصغر مهاجری:

باید بسترهای رواداری گفتمان انقلابی بر اساس ارتباط بین نسل‌ها را درست تعریف کنیم. در گفتمانی که استدلال‌ها برنده شود، واقعیت مبتنی بر حقیقت استمرار پیدا کند و گفتمان به درستی استمرار یابد آن وقت کنش‌ها به درستی انجام می‌شود و انتقال قدرت از یک کنش سالم و گفتمان روادار برخوردار می‌شود.



■ دکتر سعید معیدفر:

بحث جابه‌جایی نسل‌ها در امور مدیریتی و اجرایی و مانند آن مدت‌هاست که باید در کشور اتفاق می‌افتد چرا که لازمه تحرک و پویایی هر جامعه‌ای است به‌هر حال سن اقتضای کند پس از مدتی کم‌کم افراد جای خودشان را به کسانی که دارای تازگی و نشاط‌ورزندگی و توان و تجربه جدید هستند، بدهند و این امری اجتناب‌ناپذیر است.



■ دکتر تقی آزادارمکی:

ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که شرایط به طور دائم و کامل در حال تحول است و این تحولات نیازمند نیروهای باسواد، با تخصص، پراکنده، جوان و مسئولیت‌پذیر است.



■ حسین ایمانی جاجرمی:

حضور نسل جدید نیازمند تحول در شیوه حکمروایی است. ممکن است حتی برنامه‌ریزان و سیاستگذاران به این نتیجه برسند که باید جامعه مدنی و بخش خصوصی تقویت و دولت کوچک و چابک شود.

پیدا نکردند یا جوری گفتمان را ادامه دادند که مطلوب نبود چرا که میزان بهره‌مندی از قدرت تعیین می‌کند استدلال چه کسی درست است. استدلال برنده از دل حقیقت و بر اساس شواهد موجود در جامعه به‌دست می‌آید برای نجات گفتمان قطع شده بین نسل‌های انقلاب یک مرجع وجود دارد و آن مرجع جامعه است باید به جامعه برگردیم و جامعه را آینه تمام‌نمای حقیقت بدانیم. دوم ببینیم در رسیدن به اهداف انقلاب کدام فراز و فرودها وجود دارد به‌نظر می‌رسد تنها معیار این گفتمان مطلوب و روادار و مسیر رسیدن به هدف‌های انقلاب اصلاحات پی‌درپی است که باید انجام دهیم چون جهان امروزی به‌دلیل شتاب و تغییرات بسیار زیادی دارد نیازمند ساختاریابی متعدد و مکرر است. این جامعه شناس تأکید می‌کند: اگر ما به این شرایط امکان خلق ندیم در فرآیند اصلاحات گام برداریم به‌نظر می‌رسد هم گفتمان انقلابی جواب نمی‌دهد هم همچنان ابزارهای برخورداری از عناصر قدرت اجازه گفتمان مطلوب را نمی‌دهد. اگر به ساختار جامعه خوب نگاه کنیم می‌بینیم. همچنان برخی شاخص‌ها که از اهداف عالی انقلاب به دور است از جمله فقر و آسیب‌های اجتماعی و زدودن میزان جهالت‌ها رنج می‌دهد.

و جابه‌جایی برای سپردن امور به نسل جوان نیازمند انتقال ارزش‌های انقلاب اسلامی از نسل مسن‌تر به افراد جوان‌تر است، می‌گوید: قاعداً باید این انتقال ارزش‌ها بین نسل‌های قبلی و نسل سوم شکل بگیرد چون ارزش، عقاید و گفتمان انقلاب بر این اساس شکل گرفته و تا زمانی که انقلاب اسلامی زنده است این گفتمان هم زنده است. از طرفی انسان‌ها فرهنگ را می‌سازند و فرهنگ هم انسان‌ها را می‌سازد این اصل در روند انتقال نسلی کامل می‌شود و این اصل می‌دهد بنابراین نسل سوم خودش را نشان می‌دهد بنابراین نسل سوم باید ارزش‌ها و گفتمان انقلاب را در خودش داشته باشد اما این توانایی و امکان را دارد که از روش‌های خودش استفاده کند که البته ممکن است از روش‌های معمول هم نباشد. لیببی تأکید می‌کند که ما در یک جامعه شبکه‌ای زندگی می‌کنیم که نمی‌توان با روابط سنتی گذشته شاهد تغییر و تحولات شد. واگذاری مسئولیت‌ها به نیروهای جوان و فعال کار بسیار درستی است به شرطی که ارزش‌ها را حفظ کنیم و در متدها و روش‌ها نوآوری بیشتری داشته باشیم به گونه‌ای که نسل جوان آن متدها را حفظ کند اما شیوه‌ها و متدها چندان مهم نیست و ضرری به جامعه نمی‌زند. به‌عنوان مثال اگر معتقدیم صله رحم رفتار خوبی است و باید انجام دهیم و به‌عنوان اصل دین اشاره شده است، ممکن است در شرایط کنونی جامعه فرد نتواند هر لحظه به والدینش سر بزند اما می‌تواند بگوید صله رحم را انجام می‌دهد اما با شیوه جدیدتر و با ارسال پیامک این ارزش را حفظ می‌کند.

اما ارزش‌های خاص آن جامعه نیز مهم است. انقلاب اسلامی به‌عنوان یک گفتمان با خودش ارزش‌هایی را در بر دارد و این ارزش‌ها در طول زمان مطرح شده‌اند. برای مثال شعارهایی که در ابتدای شکل‌گیری انقلاب مطرح شد از جمله اینکه «ما باید روی پای خودمان بایستیم»، «مستقل از بیگانگان باشیم به این معنا که وابسته نباشیم تا نقطه ضعفی ایجاد شود»، «علم و دانش باید توسعه پیدا کند و...» جزو ارزش‌ها در فرهنگ و گفتمان انقلاب اسلامی به حساب می‌آیند. وی در همین زمینه عنوان می‌کند: فرهنگ مجموعه عقاید و باورها را در بر می‌گیرد و نقطه کانونی فرهنگ، ارزش‌ها است. ارزش‌ها، فرهنگ را دوام و قوام می‌دهد. بنابراین نسل جوان باید ارزش‌های انقلاب اسلامی را حفظ کند اما شیوه‌ها و متدها چندان مهم نیست و ضرری به جامعه نمی‌زند. به‌عنوان مثال اگر معتقدیم صله رحم رفتار خوبی است و باید انجام دهیم و به‌عنوان اصل دین اشاره شده است، ممکن است در شرایط کنونی جامعه فرد نتواند هر لحظه به والدینش سر بزند اما می‌تواند بگوید صله رحم را انجام می‌دهد اما با شیوه جدیدتر و با ارسال پیامک این ارزش را حفظ می‌کند.

و حمیت‌شان را به‌کار بردند. ولی با ادبیات نسل سوم انقلاب موافق نیستیم از طرفی بحث استمرار مدیریت نسل اول انقلاب امری است که موجب رکود، سکون و جمود و حتی انهدام جامعه می‌شود. جامعه موجود زنده است و دائم باید دگرگون شود و اگر ما مانع این تحول شویم قطعاً می‌توانیم این موجود را افسرده و دچار بی‌کارآمدی و فروپاشی کنیم.

■ نسل جوان و نوآوری در گفتمان انقلاب اسلامی

دکتر محمد مهدی لیبی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه نیز درباره واگذاری مسئولیت‌ها به نسل‌های آینده به «ایران» می‌گوید: از اوایل انقلاب اسلامی تاکنون درباره واگذاری امور و به میدان آوردن نسل جوان و تعامل بین نسلی مباحثی همیشه مطرح بوده و البته طرح چنین مباحثی منطقی است به این معنا که ما نیازمند نیروی جوان، نوآوری و فکری جدیدی در جامعه هستیم. در کنار اینها همچنین به راه حل‌های جدید برای مشکلات احتمالی و رفع آنها نیاز داریم. بنابراین در کلیت این موضوع تردیدی وجود ندارد چه بسا که در بسیاری از کشورهای اروپایی نیز افرادی که در رأس امور قرار می‌گیرند، بسیار جوان هستند. ویژگی که نسل جوان را از نسل قبلی متمایز می‌کند برخورداری نسل جوان از دانش و کارایی بالایی‌شان است.

لیببی در ادامه می‌افزاید: نسل جوان در دنیایی بزرگ